

اسلام یک نظام کامل زندگی است که در آن حقوق همه در نظر گرفته شده است، خداوند جل جلاله هیچ انسان را بدون کمک و حمایت رها نکرده است، بلکه برای هر انسان وسایل و راه‌های فراهم کرده است تا بتواند به آسانی در روی زمین به زندگی ادامه دهد.

از جمله یکی هم قشر ایتم و کودکان بی سرپرست می باشد، این کودکان هم حقوق اجتماعی دارند و حمایت کامل، کفالت و حفظ حقوق آنان ضروری است، بی توجهی و روی گردانی از آنان در حقیقت زیر پا گذاشتن حقوق آنها می باشد.

خانواده‌ها، اقوام و ملت‌های مختلف که در جامعه زندگی می‌کند از نظر هویت از یکدیگر جدا هستند و جای سکونت آنان، معشیت و تمدن‌شان فرق دارد اما از نظر اجتماعی همه پیکر یک واحد هستند، اشتراک در غم و خوشی یکدیگر، از فریضه اسلامی آنان می باشد.

حمایت و رسیدگی به نیازمندی‌های انسان‌های آسیب‌دیده از اتفاقات و حوادث زمان، وجبیه اسلامی و اجتماعی است، بسیاری از مردم این مسئولیت را انجام می‌دهند، زیرا آن کار را دارای ثواب می‌دانند و بار سنگینی بر دوش خود احساس نمی‌کنند؛ اما با این حال در عصر حاضر یکی از بزرگترین مشکلات جامعه کفالت کودکان یتیم می باشد. زیرا ما در کشوری زندگی می‌کنیم که چندین بار مورد تهاجم دشمنان قرار گرفته است و در نتیجه هر بار این حملات، هزاران کودک یتیم شده‌اند و از حمایت پدر محروم گردیده‌اند. این کودکان بی‌سرپرست در دهات و شهرها شب و روزهای سخت زندگی را سپری می‌کنند. برخی دیگر از کودکان یتیم نیز پدران خویش را با مرگ طبیعی از دست داده‌اند و هر لحظه زندگی برای آنان بسیار دشوار می‌گذرد. با مرگ پدر، کودکان یتیم دچار فشارهای روحی و روانی می‌شوند، زیرا حمایت پدر را از دست داده‌اند و این موضوع تأثیر عمیقی بر وضعیت روانی آنان می‌گذارد.

ایتم نیز دارای حقوق اسلامی و اجتماعی هستند، کفالت کامل آنان و فراهم کردن سهولت‌های زندگی برایشان مسئولیت همه مسلمانان است و هر مسلمان باید از حقوق آنان آگاه باشد.

یتیم در جامعه سه حالت دارد:

اول: یتیمانی که دارای مال و دارایی شخصی هستند.

دوم: یتیمی که مال ندارد، اما نزدیکان و اقوام او ثروتمند هستند.

سوم: یتیمی که نه مال دارد و نه اقوام نزدیک او توان مالی دارند.

در حالت اول یعنی اگر یتیم دارای مال و دارایی باشد، پرورش و کفالت او از همان مال خودش تأمین می‌شود و بر بیت‌المال یا ولی او نفقه وی لازم نیست؛ زیرا او خود مالک دارایی است و زمانی که کسی دارای مال باشد، تأمین نفقه‌اش بر دیگران واجب نمی‌شود.

علامه سرخسی رحمه الله می‌فرماید:

فَإِذَا كَانَ لِلْوَلَدِ مَالٌ فَفَقَّهَتْهُ فِي مَالِهِ؛ لِأَنَّهُ مُوسِرٌ غَيْرُ مُحْتَاجٍ وَاسْتَحَقَّ النَّفَقَةَ عَلَى الْعَيْتِ لِلْمُعْسِرِ بِاعْتِبَارِ الْحَاجَةِ إِذْ لَيْسَ أَحَدُ الْمُوسِرِينَ بِإِجَابِ نَفَقَتِهِ عَلَى صَاحِبِهِ بِأَوْلَى مِنَ الْآخِرِ. (المبسوط للسرخسي ۵ / ۲۲۳)

پس اگر کودک دارای مال شخصی باشد، نفقه او از همان مال خودش پرداخت می‌شود؛ زیرا او ثروتمند محسوب می‌گردد و نیازمند شمرده نمی‌شود و استحقاق نفقه در زمان نیازمندی فرد فقیر بر فرد ثروتمند واجب می‌شود، زیرا هیچ‌یک از افراد ثروتمند نسبت به دیگری سزاوارتر نیست که نفقه‌اش بر یک شخص ثروتمند دیگر واجب شود.

علامه ابن نجیم رحمه الله می‌فرماید:

لِأَنَّ الصَّغِيرَ إِذَا كَانَ لَهُ مَالٌ فَفَقَّهَتْهُ فِي مَالِهِ. (البحر الرائق ۴ / ۲۱۸):

زیرا اگر کودک نابالغ دارای مال شخصی باشد، نفقه او از همان مال خودش پرداخت می‌شود.

در این صورت ولی و سرپرست یتیم باید با امانت داری کامل، مال یتیم را در جای که واقعاً به آن نیاز دارد مصرف کند و از خوردن یا استفاده ناحق از آن خودداری نماید. همچنان باید توجه خاصی به تربیت، آموزش و پرورش او داشته باشد.

خداوند جل جلاله در قرآن عظیم الشان تأکید کرده است که از خوردن مال یتیمان خودداری کنید.

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا (النساء ۱۰)

کسانی که به ظلم و ستم مال یتیمان را می‌خورند، در حقیقت شکم‌های خود را از آتش پر می‌کنند و آنان بدون شک وارد آتش سوزان دوزخ خواهند شد.

در مورد این آیت کریمه، بسیاری از مفسران این قول سَدَى رحمه الله را نقل کرده‌اند.

وَقَالَ السُّدِّيُّ: يُبْعَثُ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهَبُ النَّارِ يَخْرُجُ مِنْ فِيهِ وَمِنْ مَسَامِعِهِ وَأَنْفِهِ وَعَيْنَيْهِ، يَغْرِفُهُ مَنْ رَأَهُ بِأَكْلِ مَالِ الْيَتِيمِ. (ابن کثیر، الدر المنثور، الطبري، الخازن)

سَدَى رحمه الله می‌فرماید: کسی که مال یتیم را به ظلم بخورد، روز قیامت در حالی محشور می‌شود که از دهان، گوش‌ها، بینی و چشم‌هایش شعله‌های آتش بیرون می‌آید. هر کسی او را ببیند، او را خواهد شناخت که این همان کسی است که مال یتیم را خورده است.

حالت دوم این است که اگر یتیم خودش مال و دارایی نداشته باشد، اما خویشاوندان نزدیک اش ثروتمند باشند و وضعیت اقتصادی خوبی داشته باشند، در این صورت نفقه و مصارف او بر عهده همان خویشاوندان واجب می‌شود؛ مانند پدرکلان، برادر، کاکا و امثال آن. تأمین مصارف، تربیت و سرپرستی یتیمان مسئولیت همین بستگان است.

در میان خویشاوندان نیز نخستین مسئولیت بر عهده نزدیک‌ترین فرد به یتیم قرار می‌گیرد. اگر این خویشاوندان نزدیک از پرداخت نفقه به یتیم خودداری کنند، حکومت باید با زور و قدرت آنان را مجبور سازد تا نفقه یتیم را اداء کرده و به خوبی از او سرپرستی کنند؛ زیرا اگر یتیم فوت کند، همین بستگان نزدیک وارث او خواهند بود و میراثش نیز میان آنان تقسیم خواهد شد.

وَالنَّفَقَةُ لِكُلِّ ذِي رَحِمٍ مَحْرَمٍ إِذَا كَانَ صَغِيرًا فَقِيرًا أَوْ كَانَتْ امْرَأَةً بَالِغَةً فَقِيرَةً أَوْ كَانَ ذَكَرًا بَالِغًا فَقِيرًا زَمْنَا أَوْ أَعْمَى وَيَجِبُ ذَلِكَ عَلَى مَقْدَارِ الْمِيرَاثِ وَيَجْبُرُ عَلَيْهِ (الهداية: ۹۰/۱) (الجوهرة النيرة: ۹۳/۲)

نفقه بر هر خویشاوند محرم واجب است که با او رابطه خویشاوندی داشته باشد؛ چه آن خویشاوند کودک و فقیر باشد، یا زن بالغ اما نیازمند باشد، یا مرد بالغ ولی فقیر و معذور (فلج) باشد، یا نابینا باشد.

این نفقه به اندازه سهم ارث بر آنان واجب می‌شود و می‌توان آنان را (در صورت امتناع) مجبور نیز ساخت.

حالت سوم این است که اگر یتیم مال و دارایی نداشته باشد و خویشاوندان نزدیک او نیز فقیر بوده، وضعیت اقتصادی‌شان خراب و درگیر مشکلات باشند، در این صورت نفقه یتیم بر آنان واجب نیست؛ زیرا آنان خود در تأمین نفقه خانواده‌شان در مانده‌اند، پس چگونه می‌توانند نفقه فرزندان دیگر را فراهم کنند؟ در چنین حالتی، تمام مسئولیت نفقه به دولت مربوط می‌شود و حکومت باید برای تأمین مصارف یتیمان تدابیر لازم را اتخاذ کند.

علامة برهان الدين ابن مازة البخاري الحنفي رحمه الله فرمائي :

هذه النفقة لا تجب إلا على الموسر ولا تجب على الفقير لا قليل ولا كثير؛ لأن هذه النفقة تجب بطريق الصلة، والصلوات تجب على الأغنياء، ودون الفقراء.

این نفقه فقط بر شخص ثروتمند واجب است و بر فقیر هیچ‌گونه واجب نیست؛ نه کم و نه زیاد. زیرا این نفقه به دلیل صله رحم واجب می‌شود، و نفقه خویشاوندان نیازمند که به سبب صله رحم واجب می‌گردد، تنها بر افراد دارا و ثروتمند لازم است، نه بر افراد فقیر. (المحيط البرهانی: ۵۸۴/۳)

همچنان علامه کاسانی رحمه الله می‌فرماید:

وَأَمَّا الَّذِي يَرْجِعُ إِلَى الْمُنْفِقِ خَاصَّةً فَيَسَارُهُ فِي قَرَابَةِ غَيْرِ الْوَالِدِ مِنَ الرَّجْمِ الْمَحْرَمِ فَلَا يَجِبُ عَلَى غَيْرِ الْمُوَسَّرِ فِي هَذِهِ الْقَرَابَةِ نَفَقَةٌ وَإِنْ كَانَ قَادِرًا عَلَى الْكَسْبِ؛ لِأَنَّ وُجُوبَ هَذِهِ النَّفَقَةِ مِنْ طَرِيقِ الصِّلَةِ وَالصِّلَاتُ تَجِبُ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ لَا عَلَى الْفُقَرَاءِ (بدائع الصنائع: ۳۵/۴)

اما شرطی که به‌طور خاص مربوط به نفقه‌دهنده می‌شود این است که نفقه خویشاوندان محرم غیر از فرزندان، تنها بر شخص ثروتمند واجب است؛ بنابراین این بر فرد فقیر در این نوع قرابت، نفقه واجب نمی‌شود، حتی اگر توان کار و کسب داشته باشد؛ زیرا وجوب این نفقه از طریق صله رحم است، و صله رحم (هزینه کردن برای دیگران) فقط بر افراد دارا واجب می‌باشد، نه بر فقرا.

در اینجا لازم است حد ثروتمندی‌ای که وجوب نفقه خویشاوندان نزدیک به آن وابسته است مشخص شود. امام ابو یوسف رحمه‌الله نصاب زکات را معیار قرار داده است، و بر اساس نظر امام محمد رحمه‌الله، اگر شخصی مصرف یک ماه خود و خانواده‌اش را داشته باشد و بعد از آن مقداری مال اضافی نیز نزد او باقی بماند، در این صورت او به پرداخت نفقه خویشاوندان ملزم می‌گردد.

ثم لا بد من معرفة حدّ اليسار الذي تعلق به وجوب هذه النفقة. ذكر ابن سماعة عن أبي يوسف رحمهما الله: أنه اعتبر نصاب الزكاة، وروى هشام عن محمد رحمهما الله إذا كان له نفقة شهر لنفسه وعياله وفضل على ذلك يجبر على نفقة الأقارب. (البرهاني: ۳/۵۸۴)

همچنان موضوع نگهداری اموال و دارایی‌های یتیم نیز اهمیت دارد. اگر پدر مرحوم برای یتیم وصی تعیین کرده باشد، این یک مسئولیت دینی بر عهده آن وصی است که مال یتیم را حفظ کند، آن را مدیریت نماید و منافع آن را به خوبی نگهداری کند.

و اگر پدر برای او وصی تعیین نکرده باشد، بزرگان خانواده و افراد با تجربه باید در میان خود نشستند و با مشورت، برای حفظ اموال و منافع یتیم تصمیم بگیرند و در این صورت، مادر یتیم یا کاکا و یا کسی که به مصلحت یتیم نزدیک‌تر و مفیدتر باشد، به عنوان وصی تعیین گردد.

اگر فرضاً آنان نیز وصی تعیین نکردند، در این صورت قاضی شرعی زمانه برای یتیم وصی تعیین خواهد کرد تا اموال او به‌خوبی محافظت شود و منافع آن به بهترین شکل حفظ گردد.

بدون شک، نبود پدر برای فرزند یک غم بزرگ و صحنه دردناک است. در چنین شرایطی لازم است یتیم نیز منتظر کمک دیگران نماند و تمام عمر خود را در گریه و اندوه سپری نکند، به گونه‌ای که نه به تحصیل علم پردازد، نه تلاش برای یادگیری حرفه و کسب انجام دهد و نه کار کند.

یتیم باید از فرصت زمان استفاده کند و در میدان امتحانات و چالش‌ها شکست را نپذیرد، بلکه با جدیت به سوی علم‌آموزی و یادگیری حرفه و مهارت گام بردارد و تلاش و همت خود را به کار گیرد تا در آینده بتواند مشکلات و سختی‌های خانواده‌اش را خودش حل کند؛ زیرا کمک‌های دیگران همیشه نیست و تنها برای مدتی محدود ادامه دارد.

در جامعه، خانواده‌های که یتیمان‌شان آموزش دیده و صاحب حرفه و مهارت هستند، موفق‌تر می‌باشند. بنابراین در پایان، از همه مسلمانان به خصوص سرپرستان یتیمان خواسته می‌شود که توجه خاصی به تعلیم و تربیت یتیمان داشته باشند تا آینده‌شان روشن و از مشکلات رهایی یابند.